

جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم در نظام حقوق بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۴

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۴/۰۷

ناصر قربان‌نیا^۱

دانشیار گروه حقوق دانشگاه مفید

پیمان‌نماین^۲

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر حقوق بین‌المللی کیفری

چکیده

امروزه تروریسم نه تنها تهدیدی علیه امنیت ملی و بین‌المللی بوده، بلکه به طرز گسترده‌ای تهدیدی نسبت به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر به شمار می‌رود. بنابراین با توجه به اهداف کور ناشی از ارتکاب اقدامات تروریستی، بزه‌دیدگان ناشی از آن در شمار بی‌گناه‌ترین افراد قرار دارند. از این رو، حمایت از حقوق بزه‌دیدگان تروریسم پیش از هر اقدامی مستلزم شناخت بزه‌دیده، اقسام بزه‌دیدگان و بررسی حمایت‌هایی است که در حقوق بین‌المللی و اسناد بزه‌دیده‌شناسی، از این افراد صورت گرفته است. به علاوه، حمایت و تضمین حقوق بزه‌دیدگان تروریسم در چارچوب نظام حقوق کیفری ملی و بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در حقوق کیفری بوده که این امر مورد توجه مجامع بین‌المللی قرار گرفته است و بر این اساس مبادرت به تصویب اسناد متعددی نموده‌اند. بنابراین ضرورت حمایت بزه‌دیده که از آموزه‌های مکتب عدالت ترمیمی است، در نظام حقوقی ملی و بین‌المللی به لحاظ شدت و گستردگی اقدامات تروریستی، ضرورت بیشتری می‌یابد.

واژگان کلیدی: تروریسم، بزه‌دیده‌شناسی تروریسم، حقوق بزه‌دیدگان تروریسم، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم، عدالت کیفری

مقدمه

تاریخ حقوق به طور اعم و پیشینه مبارزه دولت‌ها با تروریسم به طور اخص گواهِ بر این واقعیت است که دولت‌ها در مواجهه با خشونت‌های سازمان‌یافته از سوی گروه‌های غیردولتی، گرایش قابل ملاحظه‌ای به بی‌عدالتی و نقض‌های گسترده حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان‌های بزه‌کار و بزه‌دیده به ایجاد ناامنی از خود نشان داده‌اند (خزایی، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۵)؛ (توحیدی‌فرد، ۱۳۸۰: ۳۷-۵۷). با این حال تروریسم پدیده جدیدی نیست، بلکه قرن‌هاست که با ماست. تاریخ آکنده از اقدامات تروریستی است

1. Email: gorbannia4@gmail.com

2. Email: p_namamian1512@yahoo.com

«نویسنده مسئول»

که جان عده کثیری از بی‌گناهان را گرفته یا زندگی آنان را با مخاطره مواجه ساخته است، افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های بنیادین محروم نموده و ضمن به چالش کشیدن مناسبات دوستانه میان دولت‌ها، تمامیت ارضی و امنیت ملی آن‌ها را نیز به خطر انداخته است (شافیر، ۱۳۹۰: ۲۷۱-۲۸۲).

با وجود این، در نتیجه فرآیند جهانی‌سازی و گسترش فن‌آوری‌های نوین، تغییرهای قابل توجهی در ماهیت و میزان جرائم بین‌المللی ایجاد شد؛ به عنوان نمونه، اوایل قرن بیست و یکم تهدیدهای جهانی نوین پدیدار شد. حوادث تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده امریکا، چالش تروریسم بین‌المللی را آشکارا نشان داد. از این رو، حوادث تروریستی مزبور، چالش‌ها و مذاکرات بسیاری را در ارتباط میان تروریسم و حقوق بین‌الملل کیفی ایجاد کرد (سبزواری‌نژاد و نمایان، ۱۳۹۳: ۹).

تروریسم اغلب متضمن حمله به بزه‌دیدگان بوده که در ایجاد شرایطی که به طور آشکار محرک یا توجیه‌کننده خشونت تروریستی بوده است هیچ‌گونه نقش یا مسئولیتی نداشته‌اند (Curavic, 2010: 405-407). تروریسم همواره برای بزه‌دیدگان ماجرای دهشتناک به شمار می‌رود؛ چه بزه‌دیدگانی که جان خود را می‌بازند یا جراحی بر پیکر خویش به یادگار می‌برند و چه بزه‌دیدگانی که امنیت و آسایش روانی خود را تا مدت‌ها از دست می‌دهند (طیب، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴).

بنابراین با توجه به اینکه بیش از نود درصد بزه‌دیدگان تروریسم را شهروندان بی‌گناه تشکیل می‌دهند، یکی از مهم‌ترین راهبردهای مبارزه با تروریسم، حمایت از حقوق بشر و توسعه آزادی‌های فردی است (Albrecht, 2007: 15). به علاوه، حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان تروریسم بخشی از عدالت حقوقی است که متأسفانه چارچوب موازین حقوق بشر با وجود تأکید بر چنین حمایتی، سازوکارهای لازم برای عملی کردن آن را تدارک ندیده است (Reisman, 2003: 217-219).

بزه‌دیدگان تروریسم با توجه به ابعاد و گستردگی صدمات و خسارت‌های مادی و معنوی نیازمند حمایت و توجه ویژه از جانب دولت‌ها و جامعه بین‌المللی هستند. حمایت از بزه‌دیدگان جرائم تروریستی قبل از هر چیز مستلزم شناخت بزه‌دیده، انواع بزه‌دیدگان و بررسی حمایت‌هایی است که در حقوق بین‌المللی و اسناد بزه‌دیده‌شناسی، از این افراد صورت گرفته است. کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌آمیز (۱۹۸۳)، اعلامیه اصول بنیادی عدالت در مورد بزه‌دیدگان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵)، اصول و رهنمودهای حق جبران برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه (۲۰۰۶)، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی به بیان حمایت مادی و اقتصادی از بزه‌دیدگان تروریسم،

پذیرش حق جبران خسارت بزه‌دیده و نیز پیش‌بینی راهکارهای جبران پرداخته‌اند. علاوه بر حمایت مادی، برخی دیگر از حمایت‌ها همچون حمایت کیفری، حمایت پزشکی و روان‌پزشکی، حمایت پلیسی و امنیتی، حمایت قضایی و حمایت فرهنگی نیز می‌تواند از بزه‌دیدگان تروریسم صورت گیرد. حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم می‌تواند ضمن کاهش نقش مؤثر آن، در تحقق عدالت کیفری، بازسازی شخصیت بزه‌دیده و تأمین خسارت‌های مادی و معنوی وی تأثیرگذار باشد. مهم‌ترین اهدافی که این مقاله در پی آن می‌باشد، شامل موارد ذیل است: الف- بررسی و شناسایی حقوق بزه‌دیدگان تروریسم و ضرورت حمایت از آن‌ها در پرتو اصول، قواعد و اسناد حقوق بین‌المللی؛ ب- بررسی، تبیین و ارزیابی اقدامات حمایتی نهادهای ملی و بین‌المللی در حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم؛ و ج- تشریح گونه‌های متنوع طرق و روش‌های اعمال حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم در چارچوب سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی.

۱- حقوق بزه‌دیدگان تروریسم: مبانی نظری

۱-۱- بیان مسئله

یکی از سؤالاتی که امروزه مطرح می‌شود، این است که «اقدامات تروریستی یا به تعبیر دیگر تروریسم آیا یک عمل مجرمانه مستقل است و یا در حقیقت در قالب یکی از عناوین مجرمانه در حقوق کیفری قرار می‌گیرد؟» (نماین، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۵؛ ۱۳۹۰: ۶۱-۶۸). توضیح اینکه پس از مشاهده اقدامات تروریستی در سطح بین‌المللی و داخلی، این بحث مطرح گردید که از طریق مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و همچنین مقررات داخلی (کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌ها) پیرامون اقدامات تروریستی وضع و تصویب گردد، ولی این سؤال مطرح می‌شود که به هر حال اقدامات تروریستی مفهوم جدیدی نیست، بلکه اقدامات مجرمانه در حقوق کیفری به نوعی اقدامات تروریستی را در نظر گرفته است. بنابراین در این خصوص دو رویکرد وجود دارد:

۱- با توجه به عناوین مجرمانه پیش‌بینی شده در حقوق کیفری، نیازی به تخصیص عنوان خاصی به اقدامات تروریستی نیست و مفهوم تروریسم، مفهوم جدیدی محسوب نمی‌شود؛ به عنوان مثال در کشورهایمانند، آلمان و سوئد چنین سیاستی اتخاذ شده است (Archick, 2006: 81-83); (Bundesamt, 2002: 15).

۲- هر چند عناوین مجرمانه در حقوق کیفری پیش‌بینی شده است، ولی مفهوم تروریسم یک مفهوم جدیدی است و باید همگام و همراه با کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی

مفهوم جدید مجرمانه تروریسم را در نظر بگیرند و جرم‌انگاری نمایند. یعنی سیاست کیفری تقنینی در قبال تروریسم، یک سیاست کیفری خاص و ویژه‌ای است که باید به طور جداگانه، صرف‌نظر از عناوین مجرمانه دیگر در نظر گرفته شود و یا با لحاظ عناوین مجرمانه دیگر، عنوان مجرمانه تروریسم هم در نظر گرفته شود (کوشا، ۱۳۸۰: ۵۸-۵۹). به عنوان مثال، قانونگذار فرانسه ضمن تبعیت از رویکرد مزبور، در راستای سیاست کیفری خود مبنی بر توسعه جرم‌انگاری جرائم تروریستی و نیز افزایش مجازات در مقابله با گسترش آن‌ها، از سال ۱۹۹۶ تاکنون، اقدام به جرم‌انگاری‌های جدید نموده است (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۶؛ ۱۳۸۸: ۳۲۸). به علاوه، دولت چین به جهت مواجهه با تروریسم و تهدیدهای ناشی از آن، با چالش‌هایی از حیث امنیت ملی مواجه گردیده است. بر این اساس رویکردهایی را در مبارزه با آن اتخاذ نموده که به نحوی از انحاء، مبین تغییر در سیاست کیفری داخلی به شمار می‌رود (گلدوزیان، نمایان و حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۸۱-۱۸۵).

با توجه به اینکه بزه‌دیدگان تروریسم غالباً در شمار آسیب‌پذیرترین و بی‌گناه‌ترین اشخاص هستند، حمایت ویژه از حقوق آنان از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو، اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه از اقدامات تروریستی در چارچوب «پیشگیری عام» در قالب جرم‌انگاری تروریسم و «پیشگیری خاص» از طریق تقویت نظارت‌های امنیتی و پلیسی مهم‌ترین راهبردهایی است که در کاهش نرخ بزه‌دیدگی ناشی از تروریسم می‌تواند مؤثر باشد. همچنین آسیب‌های روحی و روانی در بزه‌دیدگان تروریسم از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که به دلیل غیرقابل اندازه‌گیری بودن از نظر کمی، اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، از این رو، لازم است علاوه بر توجه به آسیب‌های بدنی، حمایت‌های ویژه‌ای برای درمان این آسیب‌ها صورت گیرد (نجفی‌ابرنادآبادی و شادمان‌فر، ۱۳۸۷: ۱۹۳-۱۹۸).

۱-۲- ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم

همان‌طور که پیش‌تر ملاحظه گردید، با توجه اهداف کور ناشی از ارتکاب اقدامات تروریستی، بزه‌دیدگان ناشی از آن در شمار بی‌گناه‌ترین افراد قرار دارند. از این رو، حمایت ویژه از حقوق آنان، از اهمیت خاصی برخوردار است. وجود برخی شرایط خاص در ارتکاب اقدامات تروریستی، وضعیت فوق را دوچندان نموده است.

الف- غیرنظامیان (شهروندان): به طور اصولی تروریسم در زمان صلح حادث می‌شود، اما همین امر محتمل است که در هنگام درگیری‌های مسلحانه روی دهد. بنابراین تقارن این دو امر موجب شده تا امروزه وقوع اقدامات تروریستی در مخاصمه‌های مسلحانه، به صورت فزاینده‌ای علیه شهروندان عادی رو به گسترش باشد؛ زیرا در این گونه اقدامات، راهبردهای نوینی حاکم

شده که بر پایه آن، آسیب‌رسانی به نظامیان در مخاصمه‌ها به کمترین حد می‌رسد و وجود فن‌آوری‌های در خدمت بشر به گونه‌ای است که نه تنها جایگزین نیروی انسانی شده، بلکه در نتیجه آن با شمار بزه‌دیدگان نظامی به حداقل ممکن رسیده است (Vairo, 2002: 28-34)، اما این در حالی است که متأسفانه هیچ تدبیری برای عدم ورود خسارت از حیث مادی و معنوی نسبت به غیرنظامیان (شهروندان عادی) اتخاذ نشده است (مروت، ۱۳۹۰: ۳۳۷-۳۳۸) و (دونل، ۱۳۹۱: ۲۴۶-۲۵۵). هر چند بتوان ممنوعیت‌هایی را در این رابطه در اسناد بین‌المللی همچون زیربند «د» بند دوم ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو ملاحظه نمود (طالقانی و نامیان، ۱۳۹۰: ۱۲۰-۱۲۸)، اما به جهت عدم صراحت مفاد و نیز پابندی طرفین درگیری، این امر محقق نشده است.

ب- کودکان: کودکان عامل برانگیختن مخاصمه‌های مسلحانه نیستند، اما همواره صدمه‌های زیادی را در این رابطه به صور گوناگون متحمل شده‌اند. از این رو، بیشترین سهم صدمه‌های ناشی از مخاصمه‌های مسلحانه، متوجه این دسته از غیرنظامیان می‌شود (نامیان و طیبی، ۱۳۹۱: ۹۳). این دسته از بزه‌دیدگان به جهت دارا بودن شرایطی خاص، متأسفانه از حیث ورود خسارات روحی و معنوی، نسبت به دیگر بزه‌دیدگان آسیب‌پذیرتر هستند. بنابراین امروزه برای حمایت از این قبیل بزه‌دیدگان، به دلیل عارضه «پس‌ضربه‌های روانی»^۱ ناشی از اقدامات تروریستی، اقدامات روان‌درمانی قابل ملاحظه‌ای اعمال می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۵۹).

۳-۱- بزه‌دیدگان در حقوق بین‌المللی

۱-۳-۱- چارچوب حقوقی

قواعد حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه وظایفی را در ارتباط با بزه‌دیدگان برای دولت‌ها مقرر کرده است که شامل مواردی همچون ۱- تأمین حقوق بزه‌دیدگان با دستیابی برابر و مؤثر به عدالت بدون توجه به اینکه مسئول نهایی تخلف چه کسی می‌تواند باشد؛ ۲- پیش‌بینی یا تسهیل جبران خسارت برای بزه‌دیدگان، می‌باشند.

وظیفه یک کشور در قبال ارائه یک چاره‌جویی حقوقی داخلی برای بزه‌دیده تخلف از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در خاک آن کشور واقع شده به خوبی در حقوق بین‌الملل رسمیت پیدا کرده است. موجودیت این وظیفه در کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی ریشه دارد (Elsa, 2008: 28-34).

بیانیه‌های متعدد بین‌المللی مجدداً وظیفه کشورها در قبال ارائه جبران خسارت به بزه‌دیدگان اجحاف در حقوق بشر و تخلف از حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تصدیق کرده‌اند.^۱ بیان صریح و جامع این وظیفه در «بیانیه اصول اساسی عدالت در حق بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت» قابل ملاحظه است؛^۲ این بیانیه جامع‌ترین سند در خصوص اجرای عدالت در حق بزه‌دیدگان می‌باشد. بیانیه رهنمودی را در خصوص معیارهایی که باید در سطح ملی، منطقه و بین‌المللی جهت ارتقای دستیابی به عدالت و رفتار عادلانه، جبران خسارت، حمایت و مساعدت به بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت به عمل آیند ارائه کرده است. مجمع عمومی طی پذیرش بیانیه از دولت‌های عضو دعوت کرد، اقدامات لازم را برای اجرایی کردن مقررات بیانیه به عمل آورند. شورای اقتصادی و اجتماعی در قطعنامه ۲۰۰۵/۲۰ سال ۲۰۰۵ خود رهنمودهای اجرای عدالت در امور بزه‌دیدگان و شاهدان خردسال جرم را به کار بست.

در سال ۲۰۰۵، کمیسیون حقوق بشر نیز اصول اساسی و رهنمودهای مرتبط با حق جبران خسارت بزه‌دیدگان جرائم فاحش از قواعد حقوق بشر بین‌المللی و تخلفات جدی از حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را پذیرفت.^۳

لازم به ذکر است، «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی» و «کنوانسیون علیه فساد اخلاقی» مقررات گوناگونی را در رابطه با حمایت از بزه‌دیده شامل همکاری بین‌المللی در خصوص حمایت و مساعدت به بزه‌دیده در بر دارند.^۴

۱-۳-۲- تعاریف و مفاهیم

بزه‌دیده دارای تعاریف گوناگونی است؛ از این رو، در بررسی‌های متعددی می‌توان آن را در ابعاد گوناگون مورد ارزیابی قرار داد. بر این مبنای تعاریف مختلفی ارائه شده است که به اختصار قابل ملاحظه است.

1. Human Rights, article 8; See: for example, the Universal Declaration of Declaration on the Protection of All Persons from Being Subjected to Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (General Assembly resolution 3452 (XXX), annex), article 11.
2. General Assembly Resolution 40/34, annex.
3. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law (General Assembly resolution 60/147, annex), available at <http://www2.ohchr.org/english/law/remedy.htm>.
4. United Nations Convention against Transnational Organized Crime, articles 24 and 25; United Nations Convention against Corruption, article 32.

در مفهوم خاص، بزه‌دیده شامل بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم است. به علاوه، بزه‌دیده در مفهوم اخص در نظر برخی از جرم‌شناسان به فردی اطلاق می‌گردد که تمامیت شخصی وی به وسیله یک عامل خارجی که هم برای خود وی و هم برای جامعه، آشکار است، مورد تعرض و آسیب واقع شده است؛ مانند کودکان آسیب‌دیده ناشی از خشونت، بزه‌دیدگان خشونت‌های خانوادگی، بزه‌دیدگان جرائم کیفری، بزه‌دیدگان حوادث رانندگی، بزه‌دیدگان جرائم ضدبشری، بزه‌دیدگان اقدامات تروریستی، جنگ و حوادث طبیعی (فیلیزولا و لپز، ۱۳۷۹: ۲۳). اما به نظر می‌رسد بزه‌دیدگان حوادث رانندگی و حوادث طبیعی را نمی‌توان بزه‌دیده به شمار آورد، مگر آنکه در حوادث مزبور، یک عامل انسانی به عنوان مقصر شناخته شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۱).

همچنین برخی از اسناد بین‌المللی واژه «بزه‌دیده» را تعریف نموده‌اند که در این رابطه می‌توان به تعریف ارائه شده در «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت» (۱۹۸۵) اشاره کرد. از این رو، منظور از بزه‌دیدگان در پاراگراف اول اعلامیه مزبور اشخاصی بوده که به صورت فردی یا دسته‌جمعی، متحمل خسارت به ویژه صدمه به تمامیت جسمی یا روحی، زیان مادی یا آسیب شدید به حقوق اساسی خود، در اثر فعل یا ترک فعل ناشی از نقض مقررات کیفری شده‌اند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۳: ۲۳۲-۲۳۳)؛ (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۶۰)؛ (شایان، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۴۴).

آنچه در تعریف فوق اهمیت است اینکه، تعریف، بزه‌دیدگان مستقیم جرم و به همان اندازه اشخاص ذی‌نفع، اعضای خانواده و حتی اشخاصی را که در راه کمک به بزه‌دیدگان متحمل خسارت شده‌اند، پوشش می‌دهد (والین، ۱۳۸۵: ۳۷). به علاوه، تعریف مزبور الزاماً تمام موقعیت‌هایی را تحت پوشش قرار می‌دهد که انسان‌ها در نتیجه جرائم ارتكابی توسط سازمان‌های تروریستی بزه‌دیده شده باشند. حال که بزه‌دیدگی دستاورد تخلف از قواعد حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا حقوق پناهندگی است، پس تعریف مقرر شده در پاراگراف هشتم اصول پایه و رهنمودهایی در خصوص حق چاره‌جویی و جبران خسارت بزه‌دیدگان تخلفات فاحش از حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز بجاست (ویلیام، ۱۳۸۲: ۲۶۷-۲۶۸).

با این اوصاف، اعلامیه ۱۹۸۵ دو تعریف ارائه می‌کند: نخست، تعریف بزه‌دیدگان و دوم، تعریف بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت. مهم‌ترین تفاوت این دو تعریف، که مبنای تقسیم اعلامیه به دو بخش نیز بوده است، به منشاء بزه‌دیدگی باز می‌گردد. بر این پایه،

وصف بزه‌دیده در تعریف نخست در چارچوب مرزهای «بزه‌دیده‌شناسی کیفری»^۱ می‌گنجد (Heidy, 1989: 93)، اما به رسمیت شناختن بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت در تعریف دوم را می‌توان یک پیشرفت دانست.

۱-۴- اقسام بزه‌دیدگی تروریسم

بر پایه آنچه در تعاریف ارائه شده از بزه‌دیدگان ملاحظه گردید، می‌توان اقسام متعدد و مختلفی را برای بزه‌دیدگی ناشی از تروریسم ارائه کرد (عباچی، ۱۳۸۸: ۳۹۴-۳۹۸). از این رو، یکی از اقسام بزه‌دیدگی ناشی از تروریسم، «بزه‌دیدگی بالقوه» است که اشخاصی در معرض تهدیدهای ناشی از آن قرار دارند که هنوز دستخوش آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از آن قرار نگرفته‌اند. با این حال ممکن است در برخی موارد احتمال و انتظار ناشی از تحمل پیشامدهای تروریستی از اصل حادثه بسیار دردناک‌تر باشد. این دسته از بزه‌دیدگان، مشمول سیاست‌های پیشگیرانه و نظارتی هستند، اما ممکن است به دلایلی نیز به جهت فشارهای روحی و نگرانی‌های ناشی از تبلیغات رسانه‌ای تروریستی، به حمایت‌های کلینیکی، روان‌درمانی و پزشکی نیازمند باشند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۸۰) و (نمایان، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۱)؛ از این جهت قواعد راجع به پیشگیری وضعی و اجتماعی در خصوص دسته مزبور مقرر شده است (هاشمی، ۱۳۸۰: ۵۵).

دومین قسم شامل «بزه‌دیدگان بالفعل» است که به صورت بالفعل اعم از مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب اقدامات تروریستی، زیان روحی و یا جسمی دیده‌اند. از این منظر «بزه‌دیده مستقیم» به شخصی اطلاق می‌گردد که بی‌واسطه، از یک عامل مجرمانه، آسیب بدنی، روحی و یا مادی می‌بیند. به عبارت دیگر، بزه‌دیده مزبور شخصی است که آماج مستقیم رفتار مجرمانه قرار می‌گیرد و قربانی بی‌واسطه بزه‌کار شناخته می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۹۸)، اما «بزه‌دیده غیرمستقیم» خود بر دو قسم طبقه‌بندی می‌شوند؛ زیرا دسته اخیر از بزه‌دیدگان، برخی اوقات در نتیجه اقدامات تروریستی دچار آسیب می‌شوند و برخی از آن‌ها نیز در پی اتخاذ سیاست‌های ناشی از سازمان‌های تروریستی، دچار آسیب و خسارت می‌شوند (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۰) و (رهامی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۴). از این رو، می‌توان اظهار داشت که اشخاص درجه یک خانواده و وابستگان نزدیک وی، از حیث رابطه عاطفی و خانوادگی که با وی دارند و نیز برخی اشخاص دیگر، به دلیل آسیب‌دیدن در اثر کمک‌رسانی به بزه‌دیده مستقیم یا اعمال اقدامات پیشگیرانه می‌توانند به عنوان بزه‌دیده

غیرمستقیم تلقی شده و بدون هیچ تمایز و تبعیضی تحت شرایط خاص، از حمایت‌های قانونی و اجرایی برخوردار شوند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۹۸) و (عباچی، ۱۳۸۸: ۳۹۵).

۱-۵- بزه‌دیدة‌شناسی تروریسم

یکی از تازه‌ترین و در عین حال مهم‌ترین موضوعاتی که در چند دهه اخیر در علوم جنایی به طور کلی و در علم جرم‌شناسی به طور خاص مطرح شده است، موضوع «بزه‌دیدة» است. از این رو، به طور قطع می‌توان ادعا کرد «بزه، بزه‌کار و مجازات» که تا پایان جنگ دوم جهانی یگانه شکل هندسی علوم جنایی بوده، پس از آن و به ویژه طی چند دهه اخیر تغییر شکل داده و با الحاق ضلع اساسی «بزه‌دیدة»، به مربع بزه، بزه‌کار، بزه‌دیدة و مجازات تبدیل شده است (پیکا، ۱۳۷۰: ۴۷) و (رهامی و حیدری، ۱۳۸۳: ۷۴-۸۸).

با این حال، جرم‌شناسی بسیار دیر به مطالعه بزه‌دیدة پرداخته است و هدف از آن مراجعه به پژوهش‌های بزه‌دیدة‌شناختی تنها برآورد رقم سیاه مجرمیت از این ره‌گذر است (Leslie, 2001: 27-28)؛ اما آنچه در این حوزه اهمیت است مسئله بزه‌دیدگی در جرائم و شناسایی و حمایت از بزه‌دیدة است (سماواتی‌پیروز، ۱۳۸۵: ۸۲-۱۰۵). به همین جهت، امروزه تحقیقات جنایی بزه‌دیدة‌شناسی به رشته مطالعاتی اهمیتی در کشف علمی جرائم مبدل شده است (شیری، ۱۳۸۷: ۷۶-۸۵).

با این اوصاف، شناخت ابعاد گوناگون شخصیت بزه‌دیدة و نیز مطالعه سهم و نقش وی در تکوین جرم، از قلمروهای جدید در جرم‌شناسی است (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۱۲). یافته‌های تحقیقات بزه‌دیدة‌شناسی، به نوبه خود تحولات وسیعی را در قانونگذاری کیفری و سیاست‌گذاری در زمینه کنترل جرم، یعنی سیاست کیفری اغلب کشورها، ایجاد نموده است (فتاح، ۱۳۷۱: ۸۵). به طوری که امروزه حمایت کیفری اجتماعی از بزه‌دیدگان و پیشگیری از بزه‌دیدگی شهروندان، قلمرو نوینی در سیاست جنایی محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۳۴۱). از این رو، بزه‌دیدة‌شناسی یکی از علوم نوپا و جدیدی بوده که از علم جرم‌شناسی منشعب شده است. این در حالی است که رویکرد جرم‌شناختی به مرتکب عمل مجرمانه، بی‌تردید دشوارترین و بحث‌برانگیزترین جنبه تحلیلی کلی تروریسم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳: ۱۲۸-۱۲۹).

بنابراین، هدف مجازات که می‌تواند، ترمیم یا جبران خسارت از بزه‌دیدة باشد، از جمله اهدافی است که در نظام‌های کیفری، پس از به وجود آمدن علم بزه‌دیدة‌شناسی مطرح و مورد بحث قرار می‌گیرد. نگاه به وضعیت حال یعنی ترمیم بزه‌دیدة از جمله اهداف مجازات‌هاست

(کوشا، ۱۳۸۰: ۵۷) و (سماواتی‌پیروز، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۹۱). ضرورت تکمیل رویکرد جرم‌شناختی به شخصیت تروریست با رویکرد بزه‌دیده‌شناسی مربوط می‌شود. در زمینه تروریسم، بزه‌دیده فردی یا گروهی نقش مهمی ایفاء می‌کند (Hoffman, 2007: 4-6).

در میان بزه‌دیدگان فردی، باید میان «بزه‌دیدگان بی‌گناه» و «بزه‌دیدگان مقصر» تفکیک قائل شد. چنین تفکیکی را به ویژه، در مورد گروگان‌گیری می‌توان ملاحظه کرد که ربودن آن‌ها گاه مسبوق یا همراه با «حُکمی» است که دادگاه صادر کرده یا صادر می‌کند. جنبه نمادینی که در اینجا بزه‌دیده به خود می‌گیرد، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء می‌کند. از طریق گروگان‌گیری، تروریست‌ها قصد در محکومیت گروه و جمعی را دارند که شخص متعلق به آن است. بزه‌دیدگان بی‌گناه نیز دارای ارزشی نمادین هستند. هدف این است که نه تنها بی‌گناهی از طریق فرآیند بزه‌دیدگی به تقصیر تبدیل شود، بلکه از بی‌گناهی بزه‌دیدگان نیز وسیله‌ای ایجاد شود برای وارد کردن فشار به کسانی که اصولاً باید حمایت آن‌ها را تضمین کنند (أتف، ۱۳۸۳: ۳۳۲-۳۳۳).

در نهایت، مزیت رویکرد بزه‌دیده‌شناسی به تروریسم، نه تنها در سهمی است که برای شناخت بهتر شخصیت تروریست دارد، بلکه از نظر سازماندهی، موجب پیشگیری مناسب از بزه‌دیدگی در قبال بزه‌دیدگان بالقوه تروریسم نیز است (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۶: ۲۵۸۳-۲۵۸۴).

۲- واکنش‌های نهادهای حمایتی ملی و بین‌المللی در حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم

۲-۱- نهادهای ملی

۲-۱-۱- نهادهای قضایی، محاکم اختصاصی داخلی

بر مبنای اصل کلی، در بسیاری از کشورها رسیدگی به اتهام‌های تروریستی مانند سایر جرائم، در صلاحیت محاکم عمومی قرار دارد، اما به دلیل اهمیت اقدامات تروریستی و رابطه آن‌ها با مسائل امنیتی، در حقوق بسیاری از کشورها در محاکم اختصاصی، همچون محاکم نظامی تحت رسیدگی قرار می‌گیرد (مسعودی‌مقام و حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴).

از این رو، وجود چنین شرایطی، چالش‌هایی را به ویژه از حیث مسائل راجع به موازین حقوق بشر ایجاد می‌نماید که ممکن است برخی متهمان و مظنونان به جرائم تروریستی را که بی‌گناه بودن آن‌ها متحمل بوده، قربانی یک دادرسی غیرمنصفانه شوند (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۶۵)؛ (نامیان و طیبی، ۱۳۸۷: ۲۹۷-۳۰۲). به عنوان مثال می‌توان به محاکم نظامی ایالات متحد آمریکا و چارچوب صلاحیت آن‌ها در رسیدگی به جرائم تروریستی اشاره نمود. بر همین اساس

متهمان و مظنونان به جرائم تروریستی در صورتی که از شهروندان نباشند، به صورت بسیار ناگواری و با نادیده انگاشتن موازین حقوق بشر در محاکم نظامی تحت محاکمه قرار می‌گیرند. این در حالی است که برابر دستور صریح رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۱، «کلیه متهمان و مظنونان به جرائم تروریستی از حقوق اولیه مربوط به یک محاکمه عادلانه محروم گردیده‌اند که این امر خود مؤید وجود بزه‌دیدگی در تروریسم به شمار می‌رود»^۱. به علاوه، در نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران نیز رسیدگی به جرائم تروریستی در صلاحیت محاکم انقلاب نهاده شده است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۴۲-۳۴۷).

۲-۱-۲- نهادهای غیرقضایی

۲-۱-۲-۱- نهادهای پلیسی و امنیتی

این گونه نهادها مهم‌ترین نقش را در پیشگیری و سرکوب اقدامات تروریستی برعهده دارند. در حوزه پیشگیری با اعمال نظارت و کنترل بر اوضاع امنیتی می‌توانند حمایت ویژه‌ای را از بزه‌دیدگان بالقوه به عمل آورند. به علاوه، در سرکوب این گونه اقدامات نیز با کشف زود هنگام عاملان و متهمان می‌توانند نقش مزبور را نسبت به بزه‌دیدگان اعمال کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۵۵).

۲-۲-۱-۲- نهادهای پزشکی

نهادهای مسئول در امر پزشکی و درمانی می‌توانند به درمان فشارهای پس‌ضربه‌ای ناشی از اقدامات تروریستی بپردازند (دانیلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۵۴-۵۷۰). همچنین درمان صدمات و آسیب‌های جسمی و روانی اولین گام به سوی حمایت از بزه‌دیدگان مستقیم اقدامات مزبور است که نهادهای درمانی با آمادگی قبلی می‌توانند نقش بسیار مؤثری را ایفاء کنند. افزون بر این، گروه‌های امداد و کمک‌رسانی می‌توانند به مثابه مهم‌ترین نهادهای حمایتی بزه‌دیدگان تروریسم قلمداد شوند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۶۴-۳۶۵).

۲-۳-۱-۲- نهادهای اجرایی و دولتی

وجود این گونه نهادها می‌تواند در کاهش آلام و آسیب‌های معنوی و روحی بزه‌دیدگان مطلوب باشد؛ چرا که با جبران زود هنگام و به موقع خسارات مادی، ضمن اثبات همبستگی دولت با بزه‌دیدگان، میزان آن را نیز بهبود و افزایش دهد. بنابراین حذف مراحل اداری برای

1. Detention, Treatment and Trial of Certain Non-Citizens in the War Against Terrorism, 13 Nov 2001.

دریافت خسارات و پرداخت فوری آن در حال حاضر از اصول بسیار مهمی است که نهادهای مسئول باید بدان عنایت ویژه‌ای معطوف دارند (همان، ۳۶۹). البته این در حالی است که به سهولت بتوان جرائم تروریستی را احراز کرد؛ چرا که با این امکان می‌توان بزه‌دیدگان تروریسم را به نحو مؤثری تحت حمایت قرار داد.

۲-۱-۲-۴- نهادهای فرهنگی

این دسته از نهادها مانند رسانه‌ها و مطبوعات می‌توانند در حمایت‌های معنوی از بزه‌دیدگان تروریسم نقش ممتازی را ایفا کنند. به علاوه رسانه‌های گروهی و مطبوعات می‌توانند در کاهش و یا افزایش شمار بزه‌دیدگان نقش مهمی داشته باشند (وَن در ویر، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۳۳). از این رو، ارائه گزارش‌های اقدامات تروریستی، در برخی موارد به مرتکبان و عاملان این وقایع کمک می‌کند تا بر اساس مقتضیات موجود تصمیماتی را اتخاذ کنند که موجبات افزایش تعداد بزه‌دیدگان را فراهم نماید (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۱۷۵-۱۷۷).

با این حال، از آنجا که پوشش رسانه‌ای برای دستیابی به اهداف تروریستی بسیار اساسی است، اندازه‌گیری تأثیر رسانه‌ها بر میزان بزه‌دیدگان تروریسم به سهولت امکان‌پذیر نیست. اثربخشی رسانه بر میزان بزه‌دیدگان تروریسم به گونه‌ای غیرقابل انکار و است که نمی‌توان آن را از میزان اثربخش اقدامات تروریستی جدا نمود (وَن در ویر، ۱۳۸۸: ۳۶۵-۳۶۸).

۲-۲- نهادهای بین‌المللی

۲-۲-۱- سازمان ملل متحد

۲-۲-۱-۱- اقدامات راهبردی

نگرانی سازمان ملل متحد برای بزه‌دیدگان جنایت، دغدغه و معضلی درازمدت است، اما اغلب آن‌ها چالش‌های ضمنی تا صریح هستند. حمایت از حقوق اساسی بشر و جلوگیری از تجاوز به آن‌ها، به این سازمان ارتباط مستقیم دارد. کنوانسیون ۱۹۴۸ علیه نسل‌کشی، به دنبال قتل عام پذیرفته شد، تا از این طریق مانع تکرار مجدد آن شود. اعلامیه‌ها و معاهدات حقوق بشر ناظر بر توقف بزه‌دیدگی افراد؛ و ابزار ویژه‌ای در جهت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر خاص از قبیل آوارگان، اقلیت‌ها و افراد بومی است (دانیلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱).

برخی از اقدامات سازمان ملل متحد مبین کم‌رسانی به بزه‌دیدگان جنایت است و سابقه برخی می‌تواند به برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری برسد

(نماین «ب»، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۷). از این رو، برخی از حمایت‌ها، توسط کمیته کنترل و پیشگیری از جرم صورت پذیرفته و به از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی در ۱۹۸۴ مورد پذیرش واقع شده است. بیانیه ۱۹۹۳ در خصوص خشونت علیه زنان، براساس تصمیمات متخذه از نشست‌های هفتم و هشتم سازمان ملل متحد پیرامون «خشونت در خانواده»^۱ صادر گردید (Loye & Coupland, 2007: 329-344); (Coupland & Loye; 2009: 329-340).

لازم به ذکر است، نشست پنجم سازمان ملل متحد، به مواردی از قبیل پیشگیری از جنایت و مقابله با متخلفان، اشکال و ابعاد جدید جنایت، از قبیل «جنایت به مثابه تجارت» و «نتایج اقتصادی و اجتماعی جنایت: چالش‌های نو برای پژوهش و برنامه‌ریزی» پرداخت.^۲ به علاوه، نشست ششم سازمان ملل متحد، موضوع «جرم و سوءاستفاده از قدرت: جرائم و مجرمان دور از دسترس قانون» را به عنوان یکی از بخش‌های اصلی دستور کارش داشت. این محور هم ناظر به سوءاستفاده‌های اقتصادی و سوءاستفاده از قدرت عمومی و هم ناظر به سوءاستفاده‌های اقتصادی و سوءاستفاده از قدرت عمومی و هم ناظر به پیوندهای میان آن‌ها، از جمله اثرات آن‌ها بر بزه‌دیدگان بود.^۳

نشست هفتم سازمان ملل متحد، پیرامون پیشگیری از جرم و مقابله با متخلفان (میلان، ۲۶ آگوست تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۵) یک گفتگوی آزاد را پیرامون این بخش از برنامه کاری در برداشت، که شوق و علاقه و بحث عمده‌ای را درباره محتوا و شکل اعلامیه ارائه شده در خصوص بزه‌دیدگان برانگیخت. برخی اختلافات مفهومی بنیادین میان کسانی که احساس می‌کردند تمهیدات جداگانه‌ای برای بزه‌دیدگان جنایت «معمولی» و کسانی که از «سوءاستفاده از قدرت رنج می‌برند»، لازم است (نجفی ابرنآبادی، حبیب‌زاده و شمس ناتری، ۱۳۷۹: ۶۴-۶۷).

سرانجام، در خصوص اعلامیه‌ای دو بخشی در موافقت با مسائل مطروحه در نشست‌های مجمع عمومی و کمیته‌ها، پس از مذاکرات قابل ملاحظه اجماع حاصل شد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۸: ۲۸۳-۲۸۴). اعلامیه مزبور تحت عنوان «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و بزه‌دیدگان

1. domestic

2. Report of the Fifth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, UN Publication Sales no. 76. IV. 2 chap. II, paras. 304, 305 and 318, Geneva, September 1-12, 1975. Fattah, E.A.(1994), "Violence Against the Elderly: Types, Patterns and Explanations, in Annals Internationalized Criminology", Vol. 32, No. 1-2, pp. 113-134; Bilsky, Wolfgang and Wetzels, Peter(1994), "Victimization and Crime", in: Annals Internationals, de Criminology 32: 1/2, p. 141.

3. Crime and the Abuse of Power: Offences and Offenders Beyond the Reach of the Law?, Working paper prepared by the Secretariat, A/ Conf. 87/6.

سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵)» تأکید بر آن داشت که رفتار مناسب، دادخواهی و کمک‌رساندن به بزه‌دیدگان به علت خودشان می‌باشد تا به عنوان یک اقدام خیریه، حتی اگر اقدام انسانی یک ضرورت اساسی باشد؛ (Bassiouni, 1988: 258-259); (Lamborn, 1987: 156); (Clark, 1994: 54-57); (Davies, 2004: 123-134)

اقدام بعدی سازمان ملل متحد توسط شورای اجتماعی و اقتصادی صورت گرفت به نحوی که این شورا بر اساس قطعنامه ۱۹۸۶/۱۰، با پذیرش پیشنهاد کمیته کنترل و پیشگیری از جرم، بر اجرای مؤثر این اعلامیه، با همکاری دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، نهادهای سازمان ملل متحد و عموم مردم تأکید نمود، تا بتواند دستاورد هماهنگی را برای بزه‌دیدگان، در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۳۴۳-۳۴۴).

در نشست هشتم سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در رابطه با حفاظت از حقوق انسانی بزه‌دیدگان جنایت و سوءاستفاده از قدرت پذیرفته شد. این قطعنامه از دولت‌ها خواست تا تمهیدات مربوط به اعلامیه مرتبط با بزه‌دیدگان را در تدوین قوانین ملی خویش مورد توجه قرار دهند؛ خدمات عمومی و اجتماعی را برای بزه‌دیدگان فراهم کنند و برنامه‌های متناسب فرهنگی را برای کمک‌رسانی، اطلاع‌رسانی و پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان تقویت نمایند که در این راستا ایجاد یک صندوق برای بزه‌دیدگان جنایات فراملی در سازمان ملل متحد توصیه گردیده است.

به دنبال نشست اخیر، در نوامبر ۱۹۹۱، برنامه عمده‌ای در زمینه ساماندهی طراحی گردید تا اقدامات پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد را به همراه تأسیس یک کمیسیون جدید میان دولتی درباره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، عملی نماید و کمیته کارشناسان (قطعنامه ۴۶/۱۵۲ مجمع عمومی) را به موفقیت نایل گرداند. این برنامه مجموعه اولویت‌هایی را با تأکید بر جرم فراملی، سازمان‌یافته، اقتصادی و زیست‌محیطی، مدیریت عدالت کیفری و پیشگیری از جنایت شهری، پذیرفت. به علاوه مسئله بزه‌دیدگان و به ویژه موضوع «بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌آمیز» در نشست نهم در سال ۱۹۹۵ مورد بررسی و تأکید قرار گرفت و توصیه‌های جدیدی راجع به حمایت از آنان و نیز حمایت از بزه‌دیدگان غیرمستقیم این قبیل جرائم ارائه گردید (آخوندی، ۱۳۷۵: ۱۳۵-۱۶۸).

۲-۲-۱-۲- اقدامات حقوقی و تقنینی: کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم

در خصوص چارچوب حمایتی کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم از بزه‌دیدگان لازم به ذکر است عنوان شود، با مطالعه مفاد مندرج در ماده ۲ «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم» و ماده ۲ «کنوانسیون بین‌المللی راجع به

سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی»، ملاحظه می‌گردد که مقرراتی در راستای جلوگیری از ورود آسیب شدید جسمانی که منجر به مرگ غیرنظامیان (شهروندان عادی) گردد (قربان‌نیا و اخگری‌بناب، ۱۳۹۰: ۸۳-۹۴)، وجود داشته و اقدامات منتهی به وضعیت اخیر را ممنوع اعلام کرده است (کوشا و نامیان «الف»، ۱۳۸۷: ۲۴۶-۲۴۷)؛ (کوشا و نامیان، ۱۳۸۹: ۳۷۲-۳۷۵)؛ (گلدوزیان و نامیان، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۹۴). به علاوه این امر در «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای» به طور صریح مورد تأکید قرار گرفته است. این در حالی است که ممنوعیت اخیر، استاندارد در حال ظهور جرم‌انگاری تروریسم هسته‌ای به عنوان یک جرم در حقوق بین‌الملل مبارزه با تروریسم یعنی ایراد آسیب جسمانی جدی به انسان را مورد تأکید قرار می‌دهد (کوشا و نامیان «ب»، ۱۳۸۷: ۱۹۶-۲۰۲) و (نامیان «ب»، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۶).

به علاوه، لازم به ذکر است کنوانسیون‌های پیشین ضدتروریسم آسیب یا خسونت علیه افراد را منع می‌کنند، اما در مقابل، کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای صراحتاً به آسیب وارده بر افراد غیرنظامی اشاره داشته و هر گونه آسیب یا صدمه ناشی از ارتکاب یک عمل منع شده را تا سطح یک جرم کیفری ارتقاء می‌دهد (نامیان، ۱۳۸۹: ۸۱۰-۸۱۳)؛ (معظمی و نامیان، ۱۳۹۳: ۵۷۱-۵۸۳) و (نامیان، ۱۳۹۴: ۳۳۲-۳۴۷). در ضمن مطابق مفاد «کنوانسیون ۲۰۱۰ پکن راجع به سرکوب اقدامات غیرقانونی علیه هواپیمایی کشوری» و «پروتکل الحاقی به آن»، قواعدی راجع به حمایت از بزه‌دیدگان در جهت ارتقای امنیت هوانوردی تقریر یافته که این امر منجر به تقویت چارچوب حقوقی برای همکاری‌های بین‌المللی در پیشگیری و سرکوب اقدامات غیرقانونی علیه هواپیمایی کشوری می‌گردد (کوشا و نامیان، ۱۳۸۹: ۳۸۷).

۲-۲-۲- دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

با مطالعه اقدامات صورت پذیرفته از سوی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در مواجهه با رفتارهای جنایی، نشان می‌دهد که حقوق بزه‌دیدگان در شکل‌گیری سازوکارهای مسئول در ارتباط با بزه‌کاران مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، با توجه به وجود شکاف‌های گسترده در چارچوب اساسنامه برخی از دادگاه‌های مزبور (همچون نورنبرگ و توکیو) و طی دوران جنگ سرد به جهت وجود جنایات بی‌رحمانه، در دادرسی‌های داخلی به نقش و حقوق بزه‌دیده توجه بیشتری شد.

در چارچوب حمایت‌های ملی از بزه‌دیده، تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی در دهه ۱۹۹۰ موجب گردید تا جامعه جهانی به طور مجدد میراث نورنبرگ را احیاء کند. نخستین حرکت مثبت در

این خصوص، ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق بود که در پی گزارش‌هایی از نقض گسترده و آشکار حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در خلال درگیری‌ها در شبه جزیره بالکان صورت پذیرفت. اساسنامه دادگاه مزبور با معرفی اقسامی از اقدامات ابداعی و پیشرفته در راستای حمایت از بزه‌دیدگان مؤید پیشرفتی خطیر در نظام حقوقی قلمداد می‌شد. این اقدامات به طور عمده و بدون تغییر در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا درج گردید. مهم‌ترین سازوکارهای حمایتی موجود در اساسنامه شامل، تأسیس واحد «شهود و بزه‌دیدگان» برای کمک به بزه‌دیدگان و حمایت از آنان در رسیدگی به پرونده‌ها، توسعه شکلی یا اقدامات حمایتی برای بزه‌دیدگان و شهود و توجه ویژه به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر از قبیل زنان و کودکان، می‌باشند (کوشا و تقی‌پور، ۱۳۸۵: ۱۹-۳۳)؛ (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۶-۲۸).

به علاوه، در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی، اساسنامه رُم کوشش نمود تا یک طرح جبران خسارت برای بزه‌دیدگان جرائم بین‌المللی تحت صلاحیت خود ایجاد کند. از این رو، مطابق بند نخست ماده ۷۵ اساسنامه رُم، دادگاه اصولی را در خصوص جبران خسارت بزه‌دیدگان از جمله اعاده اموال و اعتبار آن‌ها مقرر خواهد نمود (Cohen, 2012: 224-226). همچنین بر اساس بند دوم ماده اخیر دادگاه اختیار صدور احکامی به نفع بزه‌دیدگان و علیه بزه‌کاران را برای جبران خسارت دارد، اما پیش از آن، دادگاه ممکن است بزه‌دیدگان و دیگر اشخاص ذی‌نفع، شخص محکوم‌علیه و دولت‌ها در مورد جبران خسارت دعوت به عمل آورد یا نظریات آن‌ها را در این رابطه اخذ کند (والین، ۱۳۸۵: ۴۳-۴۵)؛ (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۹۵).

۳- طرق و روش‌های اعمال حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم

۳-۱- حمایت‌های پزشکی، درمانی، روانی و اجتماعی

این دسته از حمایت‌ها نسبت به بزه‌دیدگان تروریسم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (آقابابایی و صادق‌نژادنائینی، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۱). از این رو، همان‌طور که پیش‌تر ملاحظه گردید، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت در سال ۱۹۸۵ ضرورت و فوریت حمایت‌های دارویی، روانی و اجتماعی را برای بزه‌دیدگان را اهمیت قرار داد. به علاوه، ماده ۴ «کنوانسیون اروپایی راجع به جبران خسارت از بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌آمیز (۱۹۸۳)»، هزینه‌های پزشکی را در شمار هزینه‌های جبران خسارت قلمداد نموده است. بنابراین تروریسم و حوادث ناشی از آن بارزترین مصداق

جرائم خشونت‌آمیز بوده که باید بزه‌دیدگان آن از حمایت‌های درمانی ویژه‌ای برخوردار باشند (دانیلی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۵۴-۵۷۰). همچنین، آسیب‌های روانی ناشی از حوادث تروریستی ممکن است سال‌ها در روح و روان بزه‌دیده باقی بماند که در این رابطه لازم است حمایت‌های ویژه‌ای برای درمان این آسیب‌ها پذیرد.

در نهایت، پیرامون «حمایت‌های اجتماعی» این مطلب به ذهن متبادر می‌شود که گاهی اعمال و اجرای آن از طریق دولت با تمام ظرفیت‌های خود در چارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی صورت می‌پذیرد و گاهی از طریق تشکل‌ها یا انجمن‌های خاص مدنی و برخاسته از درون جامعه امکان پذیر می‌شود (آقابابایی و صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۸۹: ۳۲).

۳-۲- حمایت در کلیه مراحل و فرآیند دادرسی کیفری

این حمایت در مراحل گوناگون دادرسی می‌تواند دارای اشکال متعددی باشد که یکی از مهمترین آن‌ها در ارتباط با حقوق بزه‌دیدگان تروریسم، تفهیم و آگاهی بزه‌دیده از سیر مراحل و چگونگی وضعیت پرونده خویش است. از این رو، در بند «الف» ماده ۶ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت بر این امر تأکید شده است.

بنابراین پی‌ریزی حقوق بزه‌دیدگان در فرآیند دادرسی کیفری در کنار شناخت مشکلات و نیازهای ایشان، باید بر شالوده محکمی استوار گردد. بی‌تردید، حفظ کرامت و ارزش والای انسانی به مثابه یکی از حقوق بنیادین، برابر و انتقال‌ناپذیر بشر، مبنای استوار در این سازماندهی است. از این رو، در صورت عدم توجه کافی به حقوق بزه‌دیدگان در فرآیند دادرسی کیفری، موجبات افزایش روزافزون بزه‌دیدگی پنهان را در سطوح گوناگون جامعه فراهم می‌سازد. با وجود این برای پیشگیری از وقوع چنین پدیده‌ای، باید بزه‌دیده در کلیه مراحل و فرآیند دادرسی کیفری به صورت محترمانه، شفاف و در تمامی ابعاد شناخته و پذیرفته شود، تا احساس جبران نموده و کرامتی که به روح و روان انسان مربوط است در او آرامش یابد (آشوری و حدادی، ۱۳۹۰: ۳).

به علاوه، لازم به ذکر است که فراهم نمودن شرایط مقتضی و حصول ضمانت‌های لازم برای اقامه دعوی بزه‌دیده به وسیله بند «ج» ماده اخیر اعلامیه مزبور مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در بند «د» ماده ۶ اعلامیه به صراحت نسبت به اتخاذ تدابیری مؤثر در کاهش مشکلات بزه‌دیدگان از جمله حفاظت از زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت و تأمین امنیت آنان و خانواده‌های آنان و نیز شهود در مقابل تهدید و انتقام تأکید شده است (فرجی‌ها، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۱۱).

۳-۳-۳- جبران خسارات از بزه‌دیدگان تروریسم: اقسام و گونه‌ها

۳-۳-۳-۱- جبران خسارت از سوی دولت

جبران خسارات یکی از مهم‌ترین ابعاد در چارچوب اقدامات حمایت نسبت به بزه‌دیدگان تروریسم به شمار می‌آید (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۵) و (آقابابایی و صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰). بنابراین اندیشه جبران خسارت از سوی دولت تا پیش از سده بیستم در حقوق کیفری جایگاه چندانی نداشت، اما از آن پس این امر مورد پذیرش واقع گردید. از این رو، مبنای پذیرش رویکرد مزبور طرح پیشنهادی قاضی بریتانیایی «مارگری فرای»^۱ در اواخر سال ۱۹۵۰ بود که وی با درک این واقعیت که بیشتر بزه‌کاران از جبران خسارت بزه‌دیدگان ناتوان هستند، موضوع جانشین ساختن دولت متابه پاسخگویی در قبال بزه‌دیدگان به ویژه متعهد بودن در جبران خسارات مطرح شد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۰۴). وی رویکرد مزبور را به اصل بیمه ملی پیوند داد که بر پایه آن باید سازوکاری فراهم شود تا از طریق گسترش بار خطرپذیری در میان شمار گسترده‌ای از مردم، جامعه به جای بزه دیده مشارکت در خطر داشته باشد (Dignan, 2005: 43).

به علاوه، برخی برای لزوم جبران خسارت بزه‌دیده از سوی دولت معتقدند که وقوع جرم در حوزه یک دولت مؤید فقدان دولت تضمین‌کننده نظم عمومی است (فیلیزولا و لپز، ۱۳۷۹: ۷۶). بنابراین دولت به دلیل تخطی از وظایف و تکالیف خویش در تأمین نظم و امنیت عمومی باید به جبران خسارات وارده به بزه‌دیده از جرم بپردازد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۷۸-۳۸۰).

۳-۳-۳-۲- جبران خسارت از سوی شرکت‌های بیمه

یکی دیگر از راه‌های جبران خسارات ناشی از حوادث ناگوار تروریستی، جبران به وسیله شرکت‌های بیمه است. جبران خسارات از این طریق اگر چه برای تسریع در جبران خسارات بزه‌دیدگان دارای منافی است، اما نباید به گونه‌ای باشد که موجبات تجری مرتکبان را فراهم نماید. لازم به ذکر است، بیمه‌نامه‌های حمایت از بزه‌دیدگان جرائم تروریستی امروزه به طور محدود در دسترس است. این نوع از بیمه‌نامه‌ها به ویژه پس از حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ از اهمیت قابل توجهی برخوردار شد.

۳-۳-۳-۳- جبران خسارت به وسیله مؤسسات خیریه غیردولتی

جبران خسارات وارده توسط این گونه مؤسسات، به صورت غیرمستقیم محکومیت اقدامات

تروریستی را در اذهان عمومی فراهم می‌سازد که می‌توانند در بازدارندگی و عدم تکرار جرائم تروریستی مؤثر باشند. افزون بر این، به نوعی اظهار همدردی عمومی با بزه‌دیدگان قلمداد شده که در تسکین آلام روحی آنان اثربخش است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۹۳-۳۹۴).

البته لازم به ذکر است که در ماده ۱۳ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت، تشکیل، تقویت و گسترش صندوق‌های ملی برای پرداخت خسارات بزه‌دیدگان مورد تشویق و تأکید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

به‌رغم تحولات برجسته اسناد بین‌المللی در حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم، ضرورت این امر به سهولت احساس می‌شود که همکاری و معاضدت دولت‌ها و رای واقعیت‌های سیاسی، در احیای حقوق بزه‌دیده واجد اهمیت بوده و ضمانت‌های اجرایی مقرر در اسناد مزبور می‌تواند راهنمای اتخاذ رویه‌های مؤثر در مقابله با دولت‌های متخلف از این امر خطیر به شمار آید. همچنین اصلاح روش‌های حمایتی باید مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر این، شناسایی دولت‌ها در کنار محکوم علیه به عنوان جبران‌کنندگان خسارت و امکان صدور حکم بر محکومیت دولت‌ها در جبران خسارت بزه‌دیده باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا، ملاحظات سیاسی و اجتماعی ایجاب می‌نماید دولت‌ها به عنوان مسئولان حفظ امنیت شهروندان خود، مسئول جبران خسارت ناشی از قصور در انجام وظیفه باشند. همچنین عدم رعایت قواعد و مقررات و عرف جامعه بین‌المللی در تجاوز و جنگ‌افروزی به عنوان رفتاری عمومی، مسئولیت دولت‌ها را به جبران خسارت بزه‌دیدگان چنین جنایاتی، توجیه می‌کند.

در نهایت، از آنجا که بزه‌دیدگان تروریسم از بی‌گناه‌ترین و آسیب‌پذیرترین بزه‌دیدگان هستند، مستحق توجه ویژه می‌باشند. در این راستا همان‌طور که ملاحظه گردید اقدامات راهبردی و تقنینی متعددی در سطوح گوناگون ملی و بین‌المللی صورت پذیرفته است. اما آنچه اهمیت و ضرورت حمایت را نسبت به بزه‌دیدگان تروریسم آشکار می‌سازد، افزایش میزان شمار بزه‌دیدگان در این گونه اقدامات نسبت به دیگر اقدامات خشونت‌آمیز است؛ زیرا در اقدامات تروریستی اصولاً تروریسم با هدف ایجاد خسارت و بزه‌دیدگی و در نتیجه اثربخشی بیشتر، مبادرت به ارتکاب می‌نماید. بنابراین با توجه به وجود برخی از اسناد بین‌المللی و نیز برخی اقدامات در سطوح ملی می‌توان اذعان به رفع بزه‌دیدگی از طرق جبران خسارات ناشی از اقدامات مزبور داشت؛ هر چند تا رسیدن به مطلوب فاصله‌ای بسیار وجود دارد.

منابع

الف - فارسی

۱. آشوری، محمد و حدادی، ابوالقاسم؛ «حقوق بنیادین بزهدیده در فرآیند دادرسی کیفری»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۰، شماره ۲.
۲. آقابابایی، حسین و صادق نژاد نائینی، مجید؛ «شبه‌های حمایت از بزهدیدگان جرم قاچاق انسان در پرتو آموزه‌های بزهدیده‌شناسی حمایتی»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ۱۳۸۹، شماره ۷.
۳. آخوندی، حمید؛ سیاست جنایی سازمان ملل متحد در زمینه بزهدیدگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق، ۱۳۷۵.
۴. آتف، رنالد؛ «رهیافت جرم‌شناختی و بزهدیده‌شناختی به تروریسم (تحلیل جرم‌شناختی تروریسم)»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۳، شماره ۳۹.
۵. اسدی، لیلا سادات؛ «حفظ امنیت و هویت بزهدیدگان و گواهان در دادرسی‌های بین‌المللی»، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. اسماعیلی، مهدی؛ «پیشگیری از تروریسم در ایران»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۸۹، شماره ۱۴.
۷. اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد؛ عدالت برای بزهدیدگان ترجمه علی شایان، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه و مرکز مطالعات توسعه قضایی، تهران، نشر سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۸. پیکا، جرج؛ جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۹. توحیدی فرد، محمد؛ «جهانی شدن حقوق کیفری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۰، شماره ۲۱.
۱۰. حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ «از جبران خسارت بزهدیده توسط بزهدیدگان تا جبران خسارت توسط دولت»، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، ۱۳۸۵، شماره ۹.
۱۱. حسینی، سید علی؛ «مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حق محاکمه منصفانه»، مجموعه مقالات همایش علمی حقوقی کاربردی وکیل، دفاع، تحقیقات مقدماتی (انجمن دفاع از حقوق زندانیان)، تهران، نشر گواهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۲. خزایی، منوچهر؛ تقریرات حقوق جزای بین‌الملل، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۴.

۱۳. دانیلی، بیل و همکاران؛ *اقدامات بین‌المللی در برابر استرس ناشی از ضربه*، ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده و سیدعباس باقری یزدی، تهران، انتشارات مؤسسه آموزش علمی کاربردی هلال ایران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۴. دونل، دانیل؛ *معاهدات بین‌المللی ضد تروریسم و اعمال تروریستی نیروهای مسلح در درگیری مسلحانه*، ترجمه پیمان نامیان و سبحان طیبی، مجله حقوقی بین‌المللی، ویژه‌نامه، ۱۳۹۱.
۱۵. دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر ملل متحد؛ *واکنش‌های عدالت کیفری به تروریسم*، ترجمه پیمان نامیان، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۶. رایجیان اصلی، مهرداد؛ *بزهدیده‌شناسی حمایتی*، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۷. _____؛ «بزهدیدگی قربانیان سوءاستفاده از قدرت در پرتو مقایسه دو اصل بزهدیدگی فردی و بزهدیدگی گروهی»، در: *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، زیر نظر علی حسین نجفی‌ابرنآبادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۸. رهامی، محسن و حیدری، علی مراد؛ «شناخت جرائم بدون بزهدیده»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۳، شماره ۳۷.
۱۹. رهامی، محسن و همکاران؛ *جرائم بدون بزهدیده*، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۰. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی؛ *حقوق بین‌الملل هسته‌ای*، ترجمه پیمان نامیان، تهران، مرکز ملی جهانی‌شدن ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲۱. سبزواری‌نژاد، حجت‌الله؛ نامیان، پیمان؛ «ارزیابی سیاست جنایی تقنینی بین‌المللی در تعقیب تروریسم با توسل به صلاحیت جهانی»، فصلنامه رسالت حقوق کیفری (دانشگاه حضرت معصومه «س»)، ۱۳۹۳، شماره ۲.
۲۲. سماواتی پیروز، امیر؛ *عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن*، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲۳. شافیر، گیرشون؛ بریسک، آلیسون و ورن فیگ، دانیل؛ «حقوق بشر در دوران سخت»، در: بررسی تطبیقی امنیت ملی و حقوق بشر در جوامع مختلف، ویراستاران: آلیسون بریسک و گیرشون شافیر، ترجمه عسگر قهرمان پور بناب، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۴. طیب، علیرضا؛ *تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق*، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۲۵. عباچی، مریم؛ «پیشگیری از بزهدیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم با تأکید بر پیشگیری از تکرار جرم و بزهدیدگی، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲۶. فتاح، عزت؛ «از سیاست مبارزه با بزهدیدگی تا سیاست دفاع از بزهدیده»، ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی‌ابرنآبادی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ۱۳۷۱، شماره ۳.

۲۷. فرجیها، محمد؛ «جنبه‌هایی از تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنایی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۲، شماره ۲۸.
۲۸. فیلیزولا، ژینا و لپز، ژرار؛ *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران، انتشارت مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۹. قربان‌نیا، ناصر و اخگری‌بناب، نادر؛ «عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای در پرتو اصل تفکیک (با رویکرد اسلامی)»، فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۳۹۰، شماره ۲۸.
۳۰. طالقانی، حسین و نمایان، پیمان؛ «ارزیابی مصالح نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو»، فصلنامه حقوق و مصلحت (مجله کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام)، ۱۳۹۰، شماره ۱۰.
۳۱. کوشا، جعفر؛ «حقوق قربانیان تروریسم»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۲. کوشا، جعفر و تقی پور، علیرضا؛ «حق دسترسی به وکیل در محاکم کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، رواند و دادگاه کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بشر»، نامه مفید، ۱۳۸۵، شماره ۵۵.
۳۳. کوشا، جعفر و نمایان، پیمان (الف)؛ «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ۱۳۸۷، شماره ۳.
۳۴. کوشا، جعفر و نمایان، پیمان (ب)؛ «تروریسم هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه علوم جنایی (مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران)، ۱۳۸۷، شماره ۳.
۳۵. کوشا، جعفر و نمایان، پیمان؛ «جرم‌انگاری تروریسم و مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی»، در: *حق بر صلح عادلانه*، به اهتمام نادر ساعد، تهران، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۶. کی‌نیا، مهدی؛ «بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی»، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۷۰، شماره ۱.
۳۷. گلدوزیان، ایرج و نمایان، پیمان؛ «راهبرد حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ۱۳۸۹، شماره ۷.
۳۸. گلدوزیان، ایرج؛ نمایان، پیمان و حاتمی، ماشاالله؛ «اقدام متقابل چین علیه تروریسم در چارچوب عدالت کیفری»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۳۹۲، شماره ۱۵.

۳۹. لسانی، حسام‌الدین و دیرباز، مرضیه؛ «حمایت‌های مادی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۰، شماره ۲.
۴۰. مجیدی، سید محمود؛ «جرم‌انگاری تهاجمی فرانسه در جرائم تروریستی»، نامه مفید، ۱۳۸۶، شماره ۶۴.
۴۱. _____؛ «جلوه‌های ظهور حقوق کیفری امنیت‌مدار در فرانسه»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ۱۳۸۸، شماره ۲.
۴۲. مروت، مجتبی؛ «نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حمایت از قربانیان جنگی»، فصلنامه پژوهش حقوق، ۱۳۹۰، شماره ۳۲.
۴۳. مسعودی‌مقام، اسدالله و حبیب‌زاده، محمد جعفر؛ «مطالعه تطبیقی حق داشتن وکیل مدافع در حقوق کیفری ایران با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، مجموعه مقالات همایش علمی حقوقی کاربردی وکیل، دفاع، تحقیقات مقدماتی (انجمن دفاع از حقوق زندانیان)، تهران، نشر گواهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴۴. معظمی، شهلا و ناممیان، بیمان؛ «حقوق مبارزه با تروریسم هسته‌ای در اسناد بین‌المللی»، تهران، انتشارات مؤسسه دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۴۵. میرخلیلی، سید محمود؛ «بزه‌دیدگی‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام»، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، ۱۳۸۵، شماره ۱۱.
۴۶. میرمحمدصادقی، حسین؛ «تروریسم رسانه‌ای»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، مرکز مطالعات توسعه قضایی قوه قضائیه و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۸۰.
۴۷. نجفی‌ابرنادادی، علی حسین؛ «تقریرات جرم‌شناسی (بزه‌دیدگی‌شناسی)»، دوره کارشناسی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۳.
۴۸. _____؛ «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله تحقیقات حقوقی (ویژه همایش سازمان ملل متحد در آئینه پنجاه سال تحولات جهانی)، ۱۳۷۵، شماره ۱۸.
۴۹. _____؛ «تقریرات جرم‌شناسی (جرم‌شناسی تروریسم)»، دانشگاه تهران (پردیس قم)، دانشکده حقوق، دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۸۶.
۵۰. _____؛ «تقریرات جرم‌شناسی»، دوره کارشناسی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۹.
۵۱. نجفی‌ابرنادادی، علی حسین، حبیب‌زاده، محمدجعفر و شمس‌ناتری، ابراهیم؛ «جرم‌سازمان‌یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۷۹، شماره ۱۷.

۵۲. نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین، شادمان‌فر، محمد رضا و توجهی، عبدالعلی؛ «اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۷، شماره ۳.
۵۳. نمایان، پیمان (الف)؛ «بررسی دلایل جرم‌انگاری تروریسم در اسناد بین‌المللی»، فصلنامه حقوق و مصلحت (مجله کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام)، ۱۳۸۸، شماره ۴.
۵۴. _____؛ «صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰، شماره ۵۱.
۵۵. نمایان، پیمان (ب)؛ «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای»، تهران، انتشارات دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵۶. نمایان، پیمان؛ «مواجهه با تروریسم سایبری در حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۱۳۹۲، شماره ۷۳.
۵۷. _____؛ «چارچوب جهانی نظام حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم هسته‌ای»، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۸۹، شماره ۳.
۵۸. نمایان، پیمان و طیبی، سبحان؛ «مطالعه موردی حقوق متهم در محاکمات کیفری ایران و مقایسه آن با کنوانسیون‌های حقوق بشر»، مجموعه مقالات همایش علمی حقوقی کاربردی وکیل، دفاع، تحقیقات مقدماتی (انجمن دفاع از حقوق زندانیان)، تهران، نشر گواهان، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۵۹. _____؛ «حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۳۹۱، شماره ۹.
۶۰. والین، لوک؛ «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، ترجمه توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی، ۱۳۸۵، شماره ۳۴.
۶۱. ویلیام، کترین؛ «تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن»، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۲، شماره ۳۸.
۶۲. وُن‌در ویر، پیترو و مانشی، شوما؛ *رسانه، جنگ و ترور*، ترجمه اصغر افتخاری و عسگر قهرمان‌پور، تهران، انتشارات دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶۳. هاشمی، سید میثم؛ «تحولات نوین حقوق بزه‌دیدگان آمریکا در پرتو قانون حقوق بزه‌دیده مصوب ۲۰۰۴»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۸۷، شماره ۷.
۶۴. هاشمی، سید حسین؛ *تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی*، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۰.

ب- لاتین

65. Abernethy, A. D; 1994, "**Anger Management Training for Law Enforcement Personnel**", Journal of Criminal Justice, Vol. 22, No. 5.
66. Albrecht, Hans-Jorg and Kilchling, Michael; 2005, ***Victims of Terrorism Policies and Legislation in Europe: an Overview on Victim Related Assistance and Support***, Freiburg: Max Planck Institute for Foreign and International Criminal Law, Iuscrim.
67. _____ ; 2007, ***Victims of Terrorism Policies: Should Victims of Terrorism be Treated Differently?***, Springer Science and Business Media B.V, March.
68. Archick, Kristin; 2006, "**European Approaches to Homeland Security and Counterterrorism**", CRS Report for Congress Received through the CRS Web, Congressional Research Service, Order Code RL33573, The Library of Congress, July 24.
69. Bassiouni, M. Chief (ed.); 1988, ***International Association Of Penal Law, International Protection of Victims***, Eres, Paris Nouvelles Editions Penales.
70. Bilsky, Wolfgang and Wetzels, Peter; 1994, "**Victimization and Crime**", in: *Annals Internationals, de Criminology* 32: 1/2.
71. Cohen, Aviv; 2012, "**Prosecuting Terrorists at the International Criminal Court: Reevaluating an Unused Legal tool to Combat Terrorism**", Michigan State International Law Review, Vol. 20, No. 2.
72. Couch, S.R., B. Wade and J.D. Kindler; 2008, "**Victims' Groups Following the 9/11 Terrorist Attacks**", Sociological Inquiry, No. 78.
73. Coupland, Robin and Loye, Dominique; 2009, "**International Assistance for Victims of Use of Nuclear, Radiological, Biological and Chemical Weapons: Time for a Reality Check?**", International Review of the Red Cross, Vol. 91, No. 874.
74. Clark, Roger. S; 1994, ***The United Nations Crime Prevention And Criminal Justice Programme: Formulation Of Standards And Efforts At Their Implementation***, University Of Pennsylvania Press, Philadelphia.
75. Curavic, Danica; 2010, "**Compensating Victims of Terrorism or Frustrating Cultural Diplomacy? The Unintended Consequences of the Foreign Sovereign Immunities Act's Terrorism Provisions**", Cornell International Law Journal, Vol. 43.
76. Davies, Pamela, Peter, Francis and Victor, Jupp; 2004, ***Victimisation; Theory, Research and Policy***, New York: Palgrave Macmillan.
77. Dignan, James; 2005, ***Understanding Victims and Restorative Justice***, U.K: Open University Press, First Pub.

78. Elias, R; 1994, *Has Victimology Outlived its Usefulness? Paradigms and Paradoxes Paper Presented at the 8th International Symposium of Victimology*, Adelaide, S.A., August 21-26.
79. Elsea, Jennifer K; 2008, "**Suits Against Terrorist States by Victims of Terrorism**", *CRS Report for Congress*, Order Code RL31258.
80. Fattah, E. A; 1994, "**Violence Against the Elderly: Types, Patterns and Explanations**, in *Annals Internationalized Criminology*", Vol. 32, No. 1-2.
81. Heidy, Rombouts, and Vandeginste, Stef; 1989, *Reparation for Victims of Gross and Systematic Human Rights Violations: The Notion of Victim*, Third World Legal Studies.
82. Hoffman, B. and A.B. Kasupski; 2007, "The Victims of Terrorism: An Assessment of their Growing Role in Policy, Legislation, and the Private Sector", *RAND Center for Risk Management and Assessment Policy*, Accessed June 10, 2008. http://rand.org/pubs/occasional_papers/2007/RAND_OP180-1.sum.pdf.
83. Lamborn, L.L; 1987, "**The United Nations Declaration on Victims; Incorporating Abuse of Power**", *Rutgers Law Journal*, Vol. 19, No.1.
84. Leslie, Sebba; 2001, "**On The Relationship Between Criminological Research and Policy: The Case of Crime Victims**", *The International Journal of Policy and Practice*, Vol. 1, No. 1.
85. Loye, Dominique and Coupland, Robin; 2007, "**Who Will Assist the Victims of Use of Nuclear, Radiological, Biological or Chemical Weapons – and How?**", *International Review of the Red Cross*, Vol. 89, No. 866.
86. Reisman, W. Michael; 2003, "**Illusion and Reality in the Compensation of Victims of International Terrorism**", *Alabama Law Review*, Winter, Vol. 54, No. 2.
87. Vairo, Georgene; 2002, "**Remedies for Victims of Terrorism**", *Loyola of Los Angeles Law Review*, Vol. 35.
88. Vourc'h, G and Marcus, M; 1993, *Securite et Democratie, Paris, Forum European pour la securite Urbaine*, avec de L'Union European, College Analytique de la Securite Urbaine, Rappory Paris.